

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.



قانون حشد الشعبی آزمون جدید عراق

پس از ماه‌ها کلنجار سیاسی، قانونی جدید در مقابل پارلمان عراق قرار می‌گیرد. هدف این قانون، تنظیم موقعیت شبه‌نظامیان حشد الشعبی در عراق است. منتقدان این طرح می‌گویند تصویب این قانون، پیامدهای وخیمی خواهد داشت. وزارت خارجه ایالات متحده هشدار داده است، اگر این قانون تصویب شود، گروه‌های مسلح تحت حمایت ایران که تهدیدی برای استقلال عراق هستند، بخشی از ارتش رسمی عراق می‌شوند. حامیان این طرح نظر بسیار متفاوتی دارند. آن‌ها می‌گویند این می‌تواند راهی باشد که این گروه‌های مسلح به نهادهای رسمی دولت برگردند و در آن‌ها ادغام شوند. این قانون که بحث‌های بسیاری بر سرش شکل گرفته، در واقع متمم قانون دیگری است که همین حالا وجود دارد، یعنی قانون شماره ۴۰ مصوب ۲۰۱۶. این قانون حشد الشعبی را بخشی از نیروهای مسلح عراق کرد. این طرح جدید، که به شکل غیررسمی به نام «قانون حشد الشعبی» شناخته می‌شود، تلاش خواهد کرد قانون اصلی مصوب ۲۰۱۶ را به‌روز کند. آن قانون تنها تعریفی حداقلی درباره حشد الشعبی ارائه داده بود. علی المولوی، مدیر گروه مشاوره «هورایزون» در لندن، در این باره گفته است: «ایهامات مربوط به سلسله‌مراتب، نظارت بر بودجه و ادغام این گروه در چارچوب امنیت ملی، از آن زمان تا امروز مدام منبع تنش بوده است.» او برای «مرکز استیمسون» در واشنگتن می‌نویسد: «این طرح جدید تلاش خواهد کرد به این شکاف‌ها رسیدگی کند و برای این کار، مؤلفه‌های واضح‌تری برای نقش حشد الشعبی در عراق بنا کند.» این قانون جدید حشد الشعبی، اقداماتی از این جمله را در پی خواهد داشت: برپایی دانشکده نظامی حشد الشعبی، اجازه اختیارات گسترده‌تر به رئیس حشد الشعبی و اجازه به حشد الشعبی برای انجام مستقیم عملیات بدون اینکه اول با مقامات دیگر صحبت شود. این قانون به یک نهاد تجاری متصل به حشد الشعبی، یعنی «شرکت عمومی مهندس» مشروعبیت بیشتری برای ساخت‌وساز، مهندسی و قراردادهای مکانیکی، کشاورزی و صنعتی خواهد داد. مایکل نایتس، کارشناس مسائل عراق در مؤسسه واشنگتن در تحلیلی می‌نویسد، اگر قانون جدید تصویب شود، حشد الشعبی که موجودیتی موقت برای شرایط جنگی بود، به «نیروی مسلحی موازی» تبدیل خواهد شد که «قدرت دارد هر کاری فرمانده‌اش صلاح دید بکند». به نظر او، حشد الشعبی، «نهادی شبیه به یک وزارتخانه با قدرت کامل خواهد شد که بعدتر اصلاح‌ش هم بسیار سخت خواهد بود، تا چه رسد به انحلالش.» وزارت خارجه ایالات متحده در دولت رئیس‌جمهور دونالد ترامپ، به شدت مخالف است. آمریکا به سیاستمداران عراقی فشار آورده تا قانون جدید حشد الشعبی را تصویب نکنند. سیاستمداران عراقی، از جمله محمد شجاع السودانی، نخست‌وزیر عراق، با انتقادات مخالف است و می‌گوید در واقع قانون جدید راهی برای کنترل بهتر حشد الشعبی است. المولوی توضیح می‌دهد که درخواست‌هایی برای اینکه حشد الشعبی صرفاً خلع سلاح شود یا منحل شود، غیرواقع‌گرایانه‌اند و «خطر شعله‌ور کردن آتش تنش‌های فرقه‌ای» را به همراه دارند. او همچنین می‌گوید برخلاف آنچه ایالات متحده ادعا می‌کند، حشد الشعبی صرفاً یک گروه نیابتی یک‌دست برای ایران هم نیست. گروه‌های بسیاری زیرمجموعه آن هستند و این نهاد، ریشه‌های عمیقی در جامعه عراق دارد. تماماً هم خارج از زنجیره فرمان دولت عمل نمی‌کند. او البته می‌گوید حتماً این نهاد نیاز به اصلاح دارد، اما اصلاحات باید معنادار باشد. اندیشکده شورای اروپایی روابط خارجی در این باره می‌نویسد، برای پرهیز از تقابل و درگیری، هر گونه اصلاح باید «شامل این باشد که برای متحدان ایران در کشور مشخص شود، در معرض تهدید وجودی نیستند و در سامانه‌های سیاسی جدید و در حال ظهور، جایی برای آن‌ها خواهد بود». روز شنبه، نسخه نهایی قانون حشد الشعبی، به پارلمان تحویل خواهد شد و طبق گزارش رسانه‌های عراقی، سیاستمدارانی که از آن حمایت می‌کنند، در تلاش و پیگیری هستند که در اسرع وقت تصویب شود؛ اما روز یک‌شنبه گذشته، محمود المشهدانی، رئیس پارلمان عراق به اولین تی‌وی، شبکه ماهواره‌ای مستقر در عراق گفته بعد است این قانون به این زودی‌ها در روند تصویب پیش برود. المشهدانی گفته است، تهدیدات ایالات متحده را باید جدی گرفته و این قانون که فوریتی هم ندارد، می‌تواند بعداً مورد بازبینی قرار گیرد.



هلال خشان
استاد علوم سیاسی دانشگاه
آمریکایی بیروت

بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، هفته گذشته در مصاحبه‌ای با شبکه آی ۲۴، دستاوردهای اخیر خود را علیه ایران، حزب‌الله و حماس باز می‌شمرد. او بر نقش خود به عنوان داور و تصمیم‌گیر اصلی در سیاست داخلی و خارجی اسرائیل تأکید کرد؛ اما آنچه بیش از همه جلب توجه کرد، حرف‌های او درباره «اسرائیل بزرگ» بود. در این بخش، مصاحبه‌کننده، نشانی پیش روی نتانیاهو گذاشت (که در تصویر دیده نمی‌شد) و ظاهراً نقشه‌ای از اسرائیل بزرگ بر آن نقش شده بود. نتانیاهو گفت «بسیار» خود را در اتصال با چشم‌انداز اسرائیل بزرگ می‌بیند و باور دارد در مأموریتی تاریخی و معنوی است. این مقاله به پیامدهای پروژه اسرائیل بزرگ برای صلح در منطقه خواهد پرداخت؛ به خصوص در

پروژه خطرناک اسرائیل بزرگ

آیا نقشه نتانیاهو برای خاورمیانه، مأموریتی مذهبی نیز هست؟

شوند. توافق صلح آذربایجان و ارمنستان که انتظار می‌رود به زودی امضا شود نیز به همین اندازه اهمیت دارد. این توافق، توسعه گذرگاه زنگزور را برای آنکارا تسهیل می‌کند. این راه، شهرگی اقتصادی خواهد شد که جنوب قفقاز را درمی‌نورد. ضمناً به ترکیه اجازه خواهد داد به منطقه آن سوی دریای خزر و سرزمین‌های آسیای میانه وصل شود. ترکیه هم‌زمان بزرگترین برنده درگیری اسرائیل و ایران هم بوده است. حذف رهبران و ظرفیت‌های تهاجمی و هشداربرانگیز حزب‌الله منجر به سقوط رژیم اسد شد. حملات متعاقب آن از سوی اسرائیل به ایران هم تضعیفی جدی را باعث شده.

ترکیه به سرعت از این فرصت استفاده کرد تا سوریه را به قلمرو نفوذ خود دریاورد و از یکی از گروه‌های نیابتی خود حمایت کرد تا کنترل پایتخت را در دمشق به دست بگیرد. آنکارا روابط خود را با دولت‌های مهم عرب، از قبیل عربستان سعودی و امارات متحده عربی نیز بهبود بخشیده است. ترکیه رسماً حضور در برنامه جنگنده‌های رادارگریز قان (تی اف - ایکس) را هم تأیید کرد. این نشانه چرخشی مهم در همکاری‌های دوجانبه دفاعی بود. آنکارا افزایش نفوذ خود در لیبی را هم شروع کرده تا در سمت غرب و محدوده مدیترانه هم قدرت‌نمایی کرده باشد.

در سمت شمال، قدرت‌های اروپایی در تقلا هستند تا در شرایطی که ایالات متحده از تضمین‌های امنیتی‌اش در آن سوی اقیانوس عقب می‌کشد، معماری امنیتی تازه‌ای شکل دهند. اینجا هم ترکیه در حال استفاده از فرصت است. اول، در تلاش است رابطه نزدیک‌تری با لهستان برقرار کند. این در سفر ماه مارس دونالد تاسک، نخست‌وزیر لهستان، به آنکارا مشهود بود. این سفر برای هماهنگی تلاش‌های مشترک جهت ایجاد ثبات در اوکراین و بررسی گزینه‌های ترکیه در چارچوب‌های امنیتی پس از جنگ انجام شد. دوم، در شرایطی که اتحادیه اروپا و ناتو روزبه‌روز بیشتر درگیر مشکلات هستند، آنکارا به تلاش هایش برای گسترش محدوده قدرت خود به سمت بالکان، شتاب

کتاب «صد سال آینده» که ۱۵ سال پیش منتشر شد، پیش‌بینی ظهور سه قدرت قابل‌توجه در طول چند دهه آینده بود: ژاپن، لهستان و ترکیه. اقتصاد باثبات و روبه‌رشد ژاپن و تمرکزش بر توسعه نظامی، گواه رشدی مداوم در قدرت است، اگر چه رشدی بی‌سروصدا. لهستان حالا پنجمین اقتصاد بزرگ اروپاست و در سطح قاره، پیشگام توسعه نظامی است؛ با این حال، هر دو کشور از سوی قدرت‌های بزرگ محدود می‌شوند. ژاپن باید با چین رقابت کند و لهستان باید با روسیه رقابت کند، درحالی‌که آن سوی اوکراین قرار گرفته است.

حالا زمان درخشش ترکیه است. ترکیه ارتشی بزرگ دارد و اقتصادش، گرچه رشد اندکی دارد، نشانه‌های ظرفیتی را می‌نمایاند که کمتر کشوری در منطقه می‌تواند نمایش دهد؛ اما مهم‌تر از همه، فرصت ژئوپلیتیک عظیمی دارد. روسیه در اوکراین گیر افتاده؛ ایالات متحده در تلاش برای کاهش حضورش در سطح جهانی است؛ ایران در سراسر منطقه متحمل ضرباتی شده و تغییرات سیاسی داخلی‌اش هم موضوع را پیچیده‌تر کرده است؛ اسرائیل هم درگیر بحران‌های داخلی و خارجی است. در چنین شرایطی، ترکیه می‌تواند از این فرصت‌ها در هر جهتی که منافع بنیادین در آن دارد، بهره‌برداری کند.

در برخی موارد، همین حالا هم چنین کرده است. حتی پیش از حمله روسیه به اوکراین، در جنگ ناگورنو-قره‌باغ در سال ۲۰۲۰، ترکیه نقشی حیاتی در کمک به جمهوری آذربایجان جهت شکست ارمنستان ایفا کرد. نتیجه‌اش هم تغییری تاریخی در تعادل قدرت در محدوده شرق ترکیه بود. تصرف آن منطقه از سوی باکو، به ارمنستان و آذربایجان اجازه داد خود را از روسیه جدا کنند و با ترکیه هماهنگ

زمان ظهور ترکیه

چگونه تحولات منطقه و جهان به سود اردوغان تمام شد؟

جورج فریدمن استراتژیست
کامران بخاری استاد روابط بین الملل دانشگاه جورج تاون